

خبر

قتل ایرانی در لندن

■ **واحد مکرزی** خبرنگر پلیس انگلیس هنوز قاتل یک جوان ۲۲ساله ایرانی که هنگام ورزش در یکی از پارک‌های نزدیک منزلش در منطقه سوپیس کاتیج به ضرب چاقو کشته شده بود را پیدا نکرده است. این قتل، دو هفته قبل اتفاق افتاد و پیکر جوان ایرانی -که میلاد گل مکانی نام داشت- دبروز تشییع شد. میلاد در حال ورزش با یکی از دوستانش بود که میان دوستش و یکی از همکلاسی‌های، اختلاف و درگیری ایجاد و دامنه آن گسترده شد. جوان ایرانی به منظور پایان دادن به درگیری، تصمیم به میانجی‌گری گرفت اما ضاربان، به میلاد نیز حمله و با چاقو، چندین ضربه به وی وارد کردند سپس ضاربان -که چهار نفر بودند- از محل جنایت گریختند. میلاد بر اثر ضربات چاقو جان باخت اما دوست وی هنوز زنده و در کماست. پلیس انگلیس در حال بررسی این قتل است اما هنوز اطلاعاتی در اختیار خانواده میلاد قرار نداده است.

اعدام ۴ قاچاقچی مواد مخدر

■ ایسنا: چهار قاچاقچی مواد مخدر در زندان کرمان مجازات شدند. براساس اعلام دادگستری استان کرمان، «الف.الف» به جرم حمل هشت کیلو و باصد گرم هرویین، «ن.ب» به جرم حمل پنج کیلو و ۸۰۰ گرم کراک، «ن.د» به جرم حمل چهار کیلو و ۶۷۰ گرم هرویین و «ع.ب» به جرم حمل ۲۰ هزار ریال آمپول نورجیرک از سوی دادگاه انقلاب کرمان به اعدام محکوم شده بودند و با درخواست عفو و یک درجه تخفیف امیردگان در مراجع ذی‌صلاح، با عفو و بخشودگی مخالفت شده بود.

سرقت مسلحانه از زنان مسافر

■ **شرق**: شک مردمی مغنازاد به سرنشینان یک خودرو و یادداشت کردن شماره پلاک اتومبیل آنها باعث به دام افتادن دو سارق مسلح شد. به گزارش خبرنگار ما، زنی ۵۰ساله، صبح روز شنبه از دربهبشت به کلاتری پاسداران رفت و گفت روز گذشته سرنشینان یک خودرو با اسلحه او را تهدید و اموالش را سرقت کرده‌اند. با ثبت اظهارات اولیه این زن به دستور احمدی، بازپرس شعبه ششم دادسرای ناحیه ۲۷ پرونده به اداره یکم پلیس آگاهی ارجاع شد و شاکای جزئیات ماجرا را این‌طور شرح داد: از میدان نوبنیاد سوار یک دستگاه پژو ۴۰۵ نوک مدادی شدم تا به تجریش بروم. علاوه بر راننده مرد دیگری هم روی صندلی عقب نشسته بود که چند دقیقه بعد از سوار شدنم و در حالی که به بز گره صدر بودیم یک قبضه کلت کمری به سوی من نشانه گرفت و شروع به تهدید کرد. در حالی که خیلی ترسیده بودم مبلغ ۳۰۰ هزار تومان پول، دوربین عکاسی، دو انگشتر طلا، دستبند و مدارک شخصی‌ام را به او دادم و کمی آن طرف‌تر آنها پیداهم کردند. در حالی که افسران آگاهی مشغول بررسی این ماجرا بودند، خبر رسید زن دیگری نیز با همین شیوه اموالش غارت شده است، او که در بز بزرگراه شهید حقانی طعمه سارقان مسلح شده بود به پلیس گفت: در بز بزرگه رسالت سوار یک خودروی پژوی تیره رنگ شدم. آن روز قصد داشتم به پارک بهشت ماران واقع در بز بزرگه شهید حقانی تروم اما در بین راه، مردی که در صندلی عقب خودرو نشسته و تا آن زمان مشغول خواندن روزنامه بود به‌طور ناگهانی تفنگی را به طرفم گرفت و با تهدید من را وادار کرد جواهراتم را به ارزش تقریبی سه میلیون تومان به او بدهم. این زن آخرین طعمه سارقان مسلح نبود و چند روز بعد زن دیگری نیز نزد مأموران رفت و از سرقت مسلحانه اموالش خبر داد. او گفت در حالی که از خیابان ۱۹۶ تهرانپارس به مقصد استگاه متروی دانشگاه علوم‌صنعت سوار یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ شده دو سرنشین پژو با تهدید سلاح کم‌ری یک جفت گوشواره، دو عدد انگشتر، یک رشته دستبند و مدارک شخصی‌اش را در دیدنشد و در نهایت او را در بز گراه شهید باقری پیاده کردند. اظهارات شاکیان در حالی بود که هیچ کدام از آنها نشانی قابل اعتنایی از سارقان یا خودرویی که به پلیس آرایه نکرده بودند. با این حال افسران بخش چهره‌نگاری پلیس آگاهی با کمک شاکیان توانستند چهره‌ای فرضی از یکی از متهمان ترسیم کنند. چند روز بعد یکی از شاکیان با پلیس تماس گرفت و خبر داد مرد مغنازه‌داری کیف او را در منطقه در دشت پیدا کرده است، با به دست آمدن این سرخ، مأموران خود را راه محل کشف کیف رساندند. مردی که کیف شاکای را پیدا کرده بود به پلیس گفت: ساستی قبل سرنشینان یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ که با یکدیگر در گیر شده بودند یک کیف زنانه را از خودروشان به بیرون پرتاب کردند و با سرعت دور شدند. من هم که به این کار مشکوک شده بودم شماره پلاک خودرو را یادداشت کردم. بررسی شماره پلاک به دست آمده نشان می‌داد پژو متعلق به فردی ۶۳ساله به نام رحمت است که در فلکه دوم تهرانپارس زندگی می‌کند. تحقیق از این مرد فاش کرد او خودرو را در اختیار پسرش محسن گذاشته است. به این ترتیب در حالی که از مخفیگاه محسن اطلاعاتی وجود نداشت مأموران در اطراف خانه پدرش به کمین نشستند و سرانجام روز چهارشنبه گذشته وی را احین ورود به منزل پدرش دستگیر کردند. محسن در بازجویی هابه ارتکاب زورگیری‌های مسلحانه اقرار کرد و مردی به نام علی را به عنوان همدستش معرفی کرد. به این ترتیب همدست وی نیز در خیابان جشنواره دستگیر شد. دو متهم در جریان بازجویی‌ها، انگیزه این سرقت را تأمین هزینه مصرف موادمخدر اعلام کردند. بنا بر این گزارش در حال حاضر متهمان در بازداشت به سری می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

شرق: حکم قصاص دو چشم مجید ظهر امروز در بیمارستان دادگستری تهران اجرا می‌شود. این نخستین باری است که یک محکوم در ایران با استفاده از اسید نابینا می‌شود. این حکم هفت سال بعد از پاشیده شدن اسید به صورت آمنه و نابینا شدن دو چشم او به مر حله اجرا رسیده و آخرین اخبار رسیده حاکی از آن است که آمنه بهرامی هیچ تصمیمی برای اعلام رضایت ندارد و مصرا نه می‌خواهد حکم با دستان خودش اجرا شود. این پرونده در شرایطی به چنین مرحله‌ای رسیده است که تا پیش از این پزشکی قانونی در پرونده‌های مشابه اعلام کرده بود امکان قصاص متهمان به دلیل احتمال صدمه دیدن دیگر اعضای بدن آنان و حتی مرگ‌شان، وجود ندارد. مجید موحدی متهم است آبان سال ۸۳بعد از ناامید شدن از ازدواج با هم‌دانشگاهی اش اقدام به اسیدپاشی کرد.

رضایت نمی‌دهم

آمنه که در این سال‌ها روزگار سختی را سپری کرده است، دیروز درباره اجرای این حکم به خبرنگار ما گفت: من به شدت اصرار دارم این حکم اجرا شود. مجید باید بفهمد من فقت سال است مجبور زندگی می‌کنم، من می‌خواهم به این پرونده پایان دهم. او ادامه داد: «به من می‌گویند پول بگیر و رضایت بده حتی شخصی به من پیشنهاد داد ۵۰۰هشلیون تومان پول می‌دهد تا من فقط یک چشم مجید را کور کنم اما من می‌خواهم هر دو چشم را کور کنم و مجید برای همیشه نابینا شود. او درباره اینکه نابینا شدن موجب عذاب خانواده او خواهد شد گفت: مگر مادر من عذاب نکشید. مگر من آواره خیابان نشدم و کاسه گدایی دستم نگرفت تا چشمانم را درمان کنم. اگر دولت به کمک‌هایش ادامه می‌داد، شاید من هنوز بینایی یک چشم را داشتم. کسی به من رحم نکرد، من هم به کسی رحم نمی‌کنم. آمنه به شدت از افرادی که او را در این سال‌ها تنها گذاشته‌اند گله کرد و گفت: سال اول که این اتفاق برایم افتاد به من کمک کردند و دولت وقت هزینه‌های من را داد تا به اسپانیا بروم و چشمانم را درمان کنم. یک سال که گذشت این کمک‌ها قطع شد، مردم هم دیگر من را فراموش کردند و کسی دیگر آمنه را نمی‌شناخت. آواره خیابان‌های اسپانیا شدم. دربارسلون تنها شدم و من را از خانه بیرون کردند، مدتی را در گرگ‌های بارسلون زندگی می‌کردم. آن زن کسی سراغی از من نگرفت و کسی نرسید آمنه کجاست و چه می‌کند. دولت اسپانیا هم به من کمک نمی‌کرد. آنها می‌گفتند باید نپهنده شوی تا ما هزینه‌های درمانت را قبول کنیم اما من اینکار را نکردم تا بتوانم در کشورم زندگی کنم. مسوولان و مردم من را تنها گذاشته‌اند. حالا چه شده است که در این چند روز آمده‌اند و از من می‌خواهند رضایت بدهم. چرا در تمام این سال‌ها کسی سراغی از من نگرفت و همه به تماشای کور شدن من نشستند. چند روز است مادر مجید تلفن می‌زند و از من می‌خواهد پسرش را ببخشم اما من قبول نمی‌کنم. چرا در تمام این سال‌ها به سراغم نیامد. او می‌توانست هزینه‌های درمانم را بدهد و من را دلجویی کند. او باید زجری را که مادرم کشیده تحمل و فرزندی کور را در خانواده قبول کند. به خاطر این مسایل، من بر اجرای حکم اصرار دارم و تلاش‌ها برای تغییر نظر من فایده‌ای ندارد.»

اتهام مادرانه

در حالی که آمنه می‌گوید، به هیچ‌وجه حاضر به گذشت نیست، مادر مجید ملتمسانه از این دختر می‌خواهد به مجید رحم و او را عفو کند. مادر مجید ظهر دیروز در حالی که مقابل خانه آمنه ایستاده بود، در گفت‌وگوی تلفنی به خبرنگار ما گفت: «مجید روزنامه‌ها را خوانده و فهمیده قرار است حکمش شنیده اجرا شود. من با پسرمد تلفنی صحبت کردم و او از من خواهش کرد برایش کاری انجام بدهم، گفت زندانیان دیگر آذیتش می‌کنند. ما برای جلب رضایت آمنه حاضر هستیم هر کاری را که در توان داریم انجام بدهیم. الان هم به خانه او آمده‌ایم اما راه را به رویمان باز نمی‌کند.»

نحوه اجرای حکم

نحوه اجرای حکم قصاص چشم یکی از موضوعاتی است که در چند روز اخیر مورد پرسش بسیاری قرار گرفت، به ویژه آنکه پیش از این پزشکی قانونی اجرای چنین احکامی را عملی نمی‌دانست. آمنه درباره نحوه اجرای حکم گفت: مجید زجری را که من کشیدم تحمل



آمنه پیش از حادثه اسیدپاشی/عکس از آلبوم خانوادگی

مجید، امروز برای قصاص چشم به بیمارستان می‌رود

آخرین اصرارها و انکارها

نمی‌کند، او را بی‌هوش می‌کنند و بعد اسید را در چشمش می‌ریزند. قرار است پنج قطره در هر چشمش بچکانند و من گفتم‌ام اول می‌خواهم خودم اینن کار را بکنم بعد اگر نتوانستم دکتری که در آنجاست این کار را بکند. او درباره اینکه بعد از اجرای حکم چه اتفاقی خواهد افتاد گفت: بعد از اجرای حکم پرونده آمنه دختری که قربانی اسیدپاشی شده است، بسته خواهد شد و من شخصیت دوم خودم را نشان خواهم داد. مردم باید بداندند من ناقص عضوی که دارم توانستم خودم را دوباره بسازم. کتابی چاپ کرده‌ام که جلد دوم هم دارد و در آن درباره رمز موفقیت خودم صحبت کرده‌ام. در این دو جلد کتابی که نوشته‌ام، توضیح داده‌ام چطور عده‌ای تحت عنوان خیر جلو آمدند و برای من پول جمع کردند و بیمی از پول را برای خود برداشتند. توضیح داده‌ام که چطور کمک‌های دولتی قطع شد و من آواره گرخانه‌های بارسلون شدم. حالا هم اجرای حکم را حق مسلم خودم می‌دانم و با چکاندن ۱۰ قطره اسید به داخل هر دو چشم مجید کاری خواهم کرد که او نقای کارش را پس دهد. آمنه درباره احتمال مرگ مجید هنگام اجرای حکم گفت: من مبلغی دیه از مجید طلبکار هستم، این مبلغ حدود ۱۸۰ میلیون تومان

است، مبلغی از این پول به خاطر تفاضل دیه دو چشم کم شده است و اگر مجید بمیرد، مابقی آن مبلغ را هم به عنوان دیه مجید به خانواده‌اش می‌بخشم. اما اگر زنده ماند باید در بیمارستان بماند تا طلب من را بدهد. در همین حال احمد شجاعی، رییس سازمان پزشکی قانونی کشور، در گفت‌وگو با فارس از نظارت پزشک سازمان پزشکی قانونی در قصاص مرد اسیدپاش خبر داد و گفت: طبق رای دادگاه، باید در داخل چشم محکوم اسید پاشیده شود تا این محکوم بینایی خود را از دست دهد، البته پزشک سازمان پزشکی قانونی فقط بر روند پزشکی



آمنه پیش از حادثه اسیدپاشی/عکس از آلبوم خانوادگی

اجرای این قصاص نظارت می‌کند و اجرای آن با فرد دیگری است. در اجرای این رای اسید به مدت کوتاهی در چشم محکوم ریخته می‌شود. ربانی و کیل مدافع مجید نیز در این باره به شرق گفت: پاشیدن اسید با چکاندن آن بر چشم خیلی تفاوت دارد فاصله اسید با چشم در زمان پاشیده شدن زیاد است و با چکاندن اسید در چشم از نزدیک و به صورت دقیق تفاوت دارد. ضمن اینکه چشم به گوش، حلق، بینی و مغز راه دارد. اگر اسید به یکی از ارگان‌های دیگر که نام برده شد آسیب وارد کند، بنابراین مجید بیش از حد لازم مجازات شده ضمن اینکه ممکن است مجید به خاطر ورود اسید به مغزش، فلج یا فووت شود. محمدسلطان همتیار، رییس شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران نیز با اشاره به

این مطلب که در برخی از موارد، بیم از سرایت کفر به سایر بخش‌ها و اندام بدن محکوم باعث می‌شود تا حکم قصاص به دیه تبدیل شود به فارس گفت: برخی موارد وجود دارد که نظر اهل فن بر این است که اگر قرار باشد قصاصی رخ دهد، آثار آن مخرب‌تر از جرح واقع شده است و به همین دلیل قاضی پرونده قصاص را جازب نمی‌داند و دیه را انتخاب می‌کند.

دردمشترک

معصومه عطایی، زنی که شهرپور سال گذشته توسط پدرشورش با اسید سوزانده شد و او نیز از ناحیه دو چشم تقریباً نابینا است، دو شب قبل به خانه آمنه رفت تا او را نزد یک بیبند و شاید بتواند این دختر را از اجرای حکم پشیمان کند. معصومه دیروز به خبرنگار ما گفت: نباید آمنه را تحت فشار قرار داد که حکم قصاص را اجرا نکند، به نظر من حق دارد و اگر دوست داشته باشد می‌تواند آن را اجرا کند اما چون من می‌فهمم سوختن با اسید یعنی چه و خودم این زجر را تحمل کرده‌ام، از آمنه خواستم تا در این مورد بیشتر فکر کند و تصمیمی منطقی و نه از



مجید جوان اسیدپاش/در طعمه عذابکم

در جست‌وجوی مادر

واحد مکرزی خبرنگر: کودک ۱۰ساله بولیویایی در مسیر جست‌وجو برای پیدا کردن مادرش به طرز ناخواسته‌ای از شبلی سسر درآورد. فرانکلین برای رفتن به منطقه‌ای که مادرش در آنجا زندانی شده بود در صندوق یک کامیون پنهان شد اما کامیون وی را به‌طور ناخواسته به شبلی برد. این در حالی است که مادر فرانکلین آزاد شده بود و وی از آزادی مادرش خبر نداشت. یک زن شیلیایی پس از آگاه شدن از این ماجرا به‌طور موقت سرپرستی کودک را بر عهده گرفت و موضوع را به مسوولان اطلاع داد.

نجات نوزاد ۱۴هفتگی از مرگ

ایسنا: یک نوزاد ۱۴هفته‌ای از التهاب شدید و کشنده مغزی جان سالم به در برد. در پی ابتلای «لیلی می‌جسون» به التهاب کشنده مغزی یا مننژیت، پزشکان

روی احساس بگیرد. البته چند نفر دیگر با من آمده بودند، آنها در مورد گذشت با آمنه صحبت کردند و او واکنش تندی نشان داد.

معصومه درباره آخرین وضعیت خودش نیز گفت: یک چشمم به‌طور کامل نابینا شده است و چشم دیگرم هم فقط نور را تشخیص می‌دهد. پزشکان امیدوارند بتوانند بینایی چشم چپم را به من بازگردانند. چندین عمل روی پلکم انجام داده‌اند و اگر پیوند پوستی که روی پلکم انصام دادند نتیجه دهد، فقط یک عمل دیگر روی پوست دارم و بعد از آن درمان چشمش را آغاز می‌کنم.» معصومه و افراد همراهش تنها گروهی نبودند که طی دو روز گذشته به خانه آمنه رفتند. گزارش خبرنگار ما حاکی از آن است که چندین نفر دیگر نیز با حضور در خانه این دختر جوان، از او تقاضای بخشش کرده اما همگی پاسخ منفی شنیده‌اند.

پیامدهای مجازات

یکی دیگر از بحث‌هایی که طی روزهای اخیر درباره قصاص چشمان مجید مطرح شده، تاثیر این مجازات است. علی صرافی، وکیل مدافع آمنه در زمان برگزاری جلسات محاکمه به خبرنگار ما گفت: مجید را بهبشوش می‌کنند و بینایی‌اش را از او می‌گیرند. این اتفاق می‌تواند بازدارنده باشد و مجرمان متوجه می‌شوند، احکام شـوخی نیستند. من فکر می‌کنم این حکم هر وقت که اجرا شود اول حق آمنه است و بعد هم آنکه جنبه بازدارنده دارد، البته اگر رسانه‌ها دخالت نکنند. برخی از رسانه‌ها طرف مجید را می‌گیرند و می‌گویند آمنه اگر ببخشد در جامعه بسیار تاثیر می‌گذارد و خانواده مجید نباید با اجرای این حکم به جای او تنبیه شوند. این حرف‌ها جنبه بازدارنده بودن مجازات را می‌پوشاند. به نظر من رسانه‌ها باید به درستی اجرای این حکم را پوشش دهند، چون ثابت شده است در کشور ما بیشترین تاثیر را فرد هنگ مردم ما این‌طور است که مجازات در مورد آنها بازدارنده نیست. مردم جوامع مختلف با هم فرق می‌کنند، شاید در جامعه دیگر بخشش مفیدتر باشد. در سوی دیگر ماجرا، ربانی وکیل مدافع مجید معتقد است این مجازات بازدارنده نیست. او گفت: این مجازات آثار مثبتی نخواهد داشت، ضمن اینکه ممکن است مجید حین اجرای حکم جان خود را از دست بدهد. او یک‌بار دیگر از آمنه خواست از اجرای این حکم انصراف بدهد و ادامه داد: «ما تا لحظه آخر به دخالت رییس قوه قضاییه در توقف اجرای حکم امیدواریم چرا که به نظر می‌رسد همه ابعاد و تاثیرات اجرای این حکم در نظر گرفته نشده است. ضمن اینکه خانواده مجید تلاش خود را برای جلب رضایت آمنه آغاز کرده‌اند و حتی حاضر هستند خانه‌آمنه که همه دارایی‌شان است بفروشند و به آمنه بدهند اما او تا به حال قبول نکرده است.» عبدالصمد خرمشاهی، حقوقدان و وکیل دادگستری، نیز در این رابطه به فارس گفت: صدمات روحی و جسمی وار شده به آمنه قطعاً با قصاصی که برای متهم در نظر گرفته شده برابر نمی‌کند و ایجاد تسویر در قصاص اعضا شده و می‌توان گفت اسیر ممکن خرمشاهی با اشاره به این مطلب که اسیدپاشی جزو جنایات فجیع است، گفت: متأسفانه کیفری که برای این مجازات در نظر گرفته شده به نظر می‌رسد از بازدارندگی لازم بر خوردار نیست، زیرا شاهد آن هستیم که چنین جرایمی هنوز هم تکرار می‌شود. در همین حال محمدسلطان همتیار گفت: قوانین قصاص اعضای بدن بر گرفته از حقوق و فقه اسلامی است. با توجه به اینکه معتقدیم شارع مقدس وضع این قوانین را به عهده داشته و عاقل‌ترین عقلا به حساب می‌آید، باید بپذیریم اجرای این احکام نتایج مثبتی را به همراه خواهد داشت.

رییس شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران در پاسخ به این سوال که آیا صدور این احکام مبتنی بر عدالت است یا خیر گفت: قاضی پرونده به‌طور قطع تمام جوانب را سنجیده و کسب نظر خبره کرده و سپس چنین حکمی را صادر کرده است. رییس شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران درباره اینکه برخی معتقدند احکام مربوط به قصاص اعضا از بازدارندگی لازم برخوردار نیست گفت: این حرف صحیح نیست، زیرا قانونگذار، بهیوه‌اند که وضع نمی‌کند و قطعاً به بازدارندگی مجازات‌ها می‌اندیشد و سپس مجازات را برمی‌گزیند. بنا بر آخرین گزارش‌ها، تمام مقدمات برای اجرای حکم قصاص چشمان مجید فراهم شده و تا لحظه تنظیم این گزارش، از توقف یا تعویق حکم یا عفو محکوم خبری نیست.

مجبور شدند، دو پا و یکی از دستان این دختر بچه را قطع کنند. والدین این دختر بچه انگلیسی توضیح دادند: «لیلی زمانی که تنها ۱۴ هفته داشت به مننژیت مبتلا شد. ما برای درمان او نزد چند متخصص رفتیم، اما تمامی آنان اعلام کردند که برای بهبود شرایط وی باید دست و پای او قطع شود. یکی از پزشکان به ما گفت که اکثر کودکان تا ۷۵درصد شانس زنده ماندن از این بیماری را دارند، اما «لیلی» دوست‌داشتنی ما بسیار کوچک بود و احتمال زنده ماندنش تنها دو درصد تخمین زده شد.» این نوزاد در نهایت پس از دست و پنجه نرم کردن با مرگ و انجام ۱۱ عمل جراحی در چهار ماه که منجر به قطع دو پا و یک دستش شد، نجات یافت. اکنون قرار است به جای دو پای قطع شده این کودک دو پای رباتیک با زانوئ انعطاف‌پذیر جایگزین شود. البته هنوز هزینه اصلی این پاهای مشخص نشده است.

نگاه

ضرورت توجه به روان درمانی

■ **امصر کیهان‌نیا** روان‌شناس و استاد دانشگاه

■ ماجرای اسیدپاشی به آمنه و وقایع پس از آن، از بعد روانشناختی جای تحلیل بسیار دارد اما آنچه که به حال مربوط می‌شود بررسی دلیل اصرار این دختر به اجرای حکم قصاص است. ظاهراً آمنه به هیچ‌وجه حاضر به اعلام گذشت نیست و در برابر افرادی نیز که برای جلب رضایت او کوشیده‌اند، هیچ گونه رمنشی نداشته است. از نظر شرعی و حقوقی آمنه می‌تواند بر اجرای قصاص تاکید داشته باشد. وقتی حادثه‌ای مانند اسیدپاشی رخ می‌دهد، قربانی جرم باید از همان ابتدا در کنار سایر اقدامات درمانی تحت روان درمانی قرار بگیرد. قربانی طبیعتاً در پی چنین جرمی از نظر روحی به شدت آشفته و پریشان می‌شود و با مراقبت روانی می‌توان این مشکل او را تا حدی رفع کرد و از سویی به قربانی تذکر داد، سهم خودش در وقوع حادثه چه میزان بوده است. البته نباید فراموش کرد افرادی دست به اقداماتی نظیر اسید پاشی می‌زنند که دچار عشق بیمار گونه و عصبی هستند. آنها اعتماد به نفس پایینی دارند و وقتی هر رابطه به سرانجام نمی‌رسد، دست به چنین رفتاری می‌زنند. حال آنکه در شرایط عادی ممکن است روزانه هزار رابطه قطع شود، ولی چنین حادثه‌ای رخ ندهد.

اگر آمنه تحت روان درمانی قرار می‌گرفت، به این نکات آگاهی پیدا می‌کرد و اکنون تا این حد نامتعطف نبود. او اخیراً گفته به این دلیل بر قصاص اصرار دارد که خانواده مجید از او عذرخواهی نکرده‌اند در حالی این خانواده اعلام کرده‌اند حتی حاضر هستند برای جلب رضایت او خانه‌شان را که تنها دارایی‌شان است، بفروشند. آمنه در چنین شرایطی نیاز به راهنمایی درست دارد. شاید او با اجرای حکم یک روز خوشحال باشد اما پس از آن احساس خوشایندی نخواهد داشت و چه بسا از تصمیمی که گرفته است، پشیمان شود. آمنه می‌داند خانواده‌اش هفت سال در عذاب بوده‌اند، پس نباید خانواده دیگری را نیز دچار همین رنج کند. او باید بداند کور کردن مجید سر نوشت خودش را تغییر نمی‌دهد و بهتر است دست به کارها و اقداماتی بزند که در سر نوشت خودش مؤثر و مفید باشد. بنابر آنچه گفته شد جای خالی مشاوره و روان درمانی در این ماجرا به وضوح مشاهده می‌شود. نکته دیگر شرایط روانی خانواده مجید است، اگر حکم اجرا شود مشکلاتی به این خانواده اضافه می‌شود و سرخوردگی آنها را در پی دارد. در واقع این خانواده به شدت آسیب می‌بیند، به همین دلیل آنان نیز به روان درمانی احتیاج خواهند داشت.

حادثه‌ها

اتهام قاچاق انسان برای یک ایرانی

■ **بی.بی.سی**: یک مرد ایرانی به اتهام قاچاق انسان در استرالیا محاکمه می‌شود. این مظنون ایرانی که تابعیت استرالیا را هم دارد در ۹هفته ۸۹ قاچاق انسان متهم شده است. این مرد که علی نام دارد به دست داشتن در مرگ حدود ۵۰ مهاجر غیرقانونی ایرانی، عراقی و کرد در حادثه پانزدهم دسامبر ۲۰۱۰ نیز متهم شده است. قربانیان آن حادثه تلاش داشتند از طریق اندونزی وارد استرالیا شوند که قایق آنها در نزدیکی جزیره کریکسمن دچار توفان شدند و به صخره خورد. این متهم ۴۰ساله که ۲۵هز و ۲۰۱۱ در اندونزی دستگیر شد قرار است به زودی در غرب استرالیا محاکمه شود.

اتوبوس ز ایران آتش گرفت

■ **مهر**: ششله‌های آتش، یک اتوبوس حامل زایران سوریه را به کام خود کشید. این حادثه بعدازظهر روز چهارشنبه هفته گذشته در عوارضی سلفچگان و بر اثر انفصالی سیم‌ها در قسمت موتور اتوبوس رخ داد. در پی این حادثه زبانه‌های آتش به داخل اتوبوس رسید و مسافران را مجبور به ترک آن کرد. در این حادثه، قبل از آتش سوزی اتوبوس، تمامی زایران از آن خارج شدند، اما چمدان‌های حاوی وسوغات وسایل ز ایران به کلی در آتش سوخت.

زن رمال پیشنهاد طلاق می‌داد

■ ایسنا: رییس پلیس آگاهی استان مکرزی از دستگیری زن رمالی که به پنهان حل مشکلات زوج‌های جوان دست به کلاهبرداری از زنان می‌زد، خبر داد. سرهنگ احمدی در این باره گفت: در پی دریافت گزارش‌های مبنی بر اینکه زنی تحت عنوان فالگیر و رمالی از بانوان مبلغی بین ۳۰ تا ۵۰هزار تومان اخذ می‌کند این موضوع در دستور کار قرار گرفت. وی گفت: با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد، متهم با دادن وعده و وعیدهای واهی به بعضی از بانوان متاهل، به آنان توصیه می‌کند از همسر فعلی خود طلاق بگیرند تا آ آینده خوبی داشته باشند و این وعده‌های واهی موجب جدایی و اختلاف بین برخی خانواده‌ها نیز شده است. احمدی افزود: با مراجعه برخی از شاکیان و همچنین جمع‌آوری مدارک و شواهد لازم، مأموران، زن رمال را حین ارتکاب جرم دستگیر و در بازرسی از منزلش تعداد زیادی کتب و مدارک مورد استفاده در جرم و تعدادی سی دی غیرمجاز کشف و ضبط کردند.